

به نام خدا

پرتوی ایفان
آیت الله سید محمد طالقاز

خلاصه شده و بازنوشته‌ی
سید محمدرضا دین‌پرور



سرشناسه	: دین رور، محمدرضا، ۱۳۴۰ - ، اقتباس کننده
عنوان و نام پدیدآور	: قرآن ساده و گزیده از پرتوی از قرآن: تفسیر برای نسل نو سید محمود طالقانی؛ برای نسل نو، خلاصه و بازنویسی سید محمدرضا دین رور.
مشخصات نشر	: تهران: قدانی، ۱۳۹۸.
مشخصات ظاهری	: ۳۱۲ ص.
شابک	: ۹۶۴-۰۰۰۰۰۸-۰۶۲۲-۴
وضعیت فهرست نویسی: فیبا	
یادداشت	: کتاب حاضر خلاصه و بازنویسی کتاب «پرتوی از قرآن» اثر طالقانی است.
عنوان دیگر	: پرتوی از قرآن: تفسیر نو برای نسل نو.
موضوع	: تفاسیر شیعه - قرن ۱۴
شناسه افزوده	: Talqani -- Shiite hermeneutics -- 20th century طالقانی، سید محمود، ۱۲۹۸-۱۳۵۸ . پرتوی از قرآن . برگزیده
رده بندی کنگره	: ۱۳۹۸ پ۴/۵۸۶/۹۸۸ BP
رده بندی دیویی	: ۲۹۷/۱۷۹
شماره کتابشناسی ملی	: ۵۶۸۱۵۹۱



گدیه انتشارات قدیانی

www.ghadya.org

تلفن: ۰۲۱-۶۴۰۲۲۴۲ (خط ۵) | د. نگار: ۰۲۱-۶۶۴۰۲۲۴۲

پرتره از قرآن

آیت‌الله سید محمود طالقانی

خلاصه شده و بازنوشته‌ی سید محمد علی دین‌پرور

ویراستار: محبوبه کرمی | طراح جلد: خورشید تری

آماده‌سازی: بخش هنری و فنی

زیر نظر شورای بررسی

چاپ اول: ۱۳۹۸ | تعداد: ۱۱۰۰ نسخه

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۰۸-۰۶۲۲-۴ | ۹۷۸-۶۰۰-۰۸-۰۶۲۲-۴ | ۹۷۸-۶۰۰-۰۸-۰۶۲۲-۴

کد: ۹۸/۳۴۳۹

چاپ و صحافی: چاپخانه قدیانی، تهران

کلیه حقوق محفوظ است.

۴۰۰۰۰ تومان

فهرست

تقریظ استاد دکتر بهاء‌الدین خرمشاهی ۱۱

مدحه با استاد دکتر سیدمحمد مهدی جعفری ۱۴

عشق، تلاش، روش بینی و نونگری ۱۹

طالقانی؛ امید و آمان ها ۲۵

سوره‌ی اعلی ۳۱

شناوری؛ رمز رهایی * به الهی دست و نی در خروش و ولوله‌اند *
بال بگشا و صفیر از شجر طوبی * که امه حامل وحی، برتر خرام
* در دایره‌ی قسمت، اوضاع چنین باشد * رخسار سبز شد و مرغ
در خروش آمد * اگر در باده اندازد رخت حسنی تجانی را * هر که
را بر رویش افتادی نظر * رفتن آسان بود از واقف مزل اشی *
برآوردم از بی‌قراری خروش * همه کارش ز خود نمی به بدستی
کشید آخر * گیاهی باش سبز باش از تاب شوقش * نور اچه بود
که تا صبح می‌خروشیدی * که دولتی دگرت در پی است جاویدان

سوره‌ی غاشیه ۵۳

وظیفه‌ی نبی؛ یادآوری و بیداری * خود، مایه‌ی عذاب خودند *
سراب سرکشسی؛ تلاش بی‌حاصل * اما نعمت‌های دیگر * ای که

خاک تیره را تو جان دهی * ای مبدل کرده خاکی را به زر

سوره ی فجر ۶۵

نه به سرکشی و ظلم و فساد * در شب تیره به روشنی چو چراغ *
شود مست وحدت ز جام الست * شعاع دید و دریافت؛ ضامن رسیدن به
خیر * در نظر هوشیار * بخت این خاک از تلاش ما گشود * سرکشی
کرد و فکندیمش ز پای * دیوها کردند دربان و وکیل * برج و بارویت؛
خدایم بشکند * در بند خودپرستی و خودکامی * تا دیگران گرسنه و
مسکین اند * فکریشان یکسره از و هواست * همه بسیط زمین رو نهد
به و انی * ای ظهور جلوه‌های لازوال * چشم اگر داری بیا بنمایمت
* برده را داختی کار به اتمام رفت * بیا بیا که نصیب تو هست جلوه‌ی
دوست

سوره ی بلد ۹۷

آزادی بندیان صل به، حیب حجازی بسته‌ایم * زین جهت با راه
او پیوسته‌ایم * تحولی است که از رنج‌ها پدید آید * غرور و غفلت و
بی‌دردی * آگاهی؛ طریق رایی * درجه عین ذات را بی‌پرده دید * در
کشش‌ها؛ اختیار * به چشم باز نین شب شناخت راه از چاه * راه انبیا؛
رهایی محرومان * گشایید این بندها را گر * نجات از خودخواهی‌ها و
غفلت‌ها؛ در سایه‌ی وحی * بیا که صحبت راز غنیمت است ای دوست
* حق‌پوشان آتش‌افروز

سوره ی شمس ۱۱۷

دهقان بذر خویش * حکمت‌هایی علمی و ظریف * پس آنکه سوی
آسمان کرد روی * جهان آفرینش؛ ظرف تکامل انسان * خود را برهاندمی
ز سرگردانی * در بیابان به شوق کعبه‌ی دوست * از کهکشان تا انسان *
زمینه‌سازان ظلم و طغیان * کوتاه‌اندیشی، قانون‌گریزی، سرکشی،...، آنگاه
عذاب * که تو خشم‌گیری به‌قدر گناه



سوره‌ی لیل ۱۳۳

کوشش‌ها و کشش‌ها * که تاریک شد چشمه‌ی آفتاب * هر لحظه رنگی
بت عیار درآید * هر چه کنی به خود کنی * به جز از عشق تو، باقی
همه فانی است * بقای جاودانش ده که حسن جاودان دارد * خدا هم
در تلاش آدمی است * پرتگاه حق پوشی و روی گردانی * رابطه‌ی تقوا و
بخشش * خدمت به خلق، دیدار روی دوست

سوره‌ی ضحی ۱۴۹

دست نوازش وحی * به ذات پاک حق و آفتاب سلطنتش * که او تو را
نگذارد، به لطف بردارد * جبرئیلش هم مدها می‌رساند * مهر خداوند،
چون تابش خورشید و جلوه‌های ماه * بردهد شاخ امید تو ثمر * رهرو
ما ایک انور منیر است * ما بسی گم گشته باز آورده‌ایم * ما بسی
بی‌تو شدیم پرورداریم * یتیم خسته را ز پای برکن خار * که به شکر
پادشاهی، ز نصر مراد خدا، * بر چو تو دلبری سزد هر نفسی نثار جان

سوره‌ی انشراح ۱۶۵

سختی‌ها و قدرت‌های غیرخدا را ندیده بگیر * جای دریا و گهر
سینه‌ی تنگی نبود * گره ز قلب تو گشود رب و دود * دولت آمد به بر و
بخت و سعادت برسد * تا قیامت، باقی‌مانده‌ایم * مزدگانی بده ای
دوست که محنت بگذشت * بر این کار نیکو و خود رگما * این مقامت
برتر از چرخ بلند

سوره‌ی تین ۱۷۷

از خاک تا خدا * زمین همایون میوه کز هر شاخسار آورده‌ای * شهر یاران
است و خاک مهربانان این دیار * هیچ موجود نیست چون تو تمام *
از اوج سربلندی افتی به خاک پستی * اجر صبری است که در کلبه‌ی
احزان کردم * چه سود چون دل دانا و بینا نیست * به امر و رای و تدبیر
و مراد اوست گردون را



سوره‌ی خلق ۱۸۷

رنگین کمان اعجاز * بخوان به نام گل سرخ در صحاری شب * راز
طغیان و سرکشی * ای بد معاملت به همه هیچ می‌خوری * نترسی که
بر تو فتد دیده‌ام؟ * در خواری و عذاب ابد جاودان شود

سوره‌ی قدر ۲۰۱

شبی! ناگهان خورشید * آن شب قدر که این تازه براتم دادند * شب
تقدیر یزدانی که طالع‌ها در او باشد * غم به کناره می‌رود مه به کنار
می‌رسد

سوره‌ی بقره ۲۱۱

تنها ره‌نما: دلیل و حجت و برهان * سالک از نور هدایت ببرد راه به
دست * به هر حرفی، صد مقال آورده است * حقیقت را کتاب و دفتر
اینجاست * بیست‌سنگ ماه و اختر اینجاست * آتشی کامد عذاب کافران *
نیست عیسی در چهار مانند عیش بزم عشق * هوای هواک رضای رضاک

سوره‌ی زلزال ۲۲۳

هر چه کنی به خود کنی * آغاز عالم غلغله... پایان عالم؛ زلزله * بر تو
پرده‌ی اسرار اگر بدرد * وانها... مایم بکایک عیان شود * هر تخم
که کاری ثمر آن دروی فیض

سوره‌ی عادیات ۲۲۹

به لحظه‌های ناب جهاد * هر که مقصودش تو باشی... نفس دارد بکوشد
* ای سخت گمان سست پیمان * چشم‌انداز پرشور * بر این داستان نیز
باشد گواه * به هر چه در دل ما بگذرد تو آگاهی

سوره‌ی القارعه ۲۳۵

سبکبالان ساحل‌ها * زان میان پروانه را در اضطراب انداختی * خوش
می‌کند به باده‌ی مشکین مشام جان * خوش باش که ظالم نبرد راه به
منزل

سوره‌ی تکوین ۲۳۹

بازیچه‌ی مال و مقام * عمر بگذشت به بی‌حاصلی و بوالهوسی * به خیره
همی چون کنی افتخار * شاهبازان طریقت به مقام مگسی * وزین نعمت
بپرسش تا چه گوید

سوره‌ی عصر ۲۴۵

زمان، کوره‌ی زیان و تکامل انسان * هان ای زیان رسیده وقت تجارت
آمد * دریاست مجلس او دریاب وقت و در یاب * کوشش هر حق‌گذاری
یاد باد

سوره‌ی حره ۲۴۹

زوار مال رفعت * کفرست در این مذهب، خودبینی و خودرایی *
همایی چون ترعال قدر، حرص استخوان حیف است * این دوده بین که
نامه‌ی من شد سیاه آرزو

سوره‌ی فیل ۲۵۵

پیش در آمد بعثت * به نیروی یزید کیهان خدای * که کید دشمنت
از جان و جسم دارد باز

سوره‌ی قریش ۲۵۹

مَنْت خدای را عَزَّوَجَلَّ * ای قصر دل‌افروز که منزه از سی * پاش تخم
عبادت حبیب من زان پیش * ای گدایان خرابات خدایار شایسته است

سوره‌ی ماعون ۲۶۳

وای بر دین‌داران * بت ساختیم در دل و خندیدیم * خون یتیم در کشی
و خواهی * آموزگار خلق شدیم اما... * ز آتش زهد ریا خرمن دین
می‌سوزد * نزد اینان مال مردم لقمه‌ی یک‌لحظه شد



فهرست



سوره‌ی کوثر ۲۶۹

تنها وارث تمام مفاخر او * جام کوثر خود به دست اوست پُر * من همان دم
که وضو ساختم از چشمه‌ی عشق * شده تیره، روز جفاپیشگان

سوره‌ی کافرون ۲۷۵

مذهب علیه مذهب * ای که باشد لات و عزایت خدای * من نجویم
آنچه را معبود توست

سوره‌ی نصر ۲۷۹

یاری خدا نزدیک است * چون خدا بودی به هر جا یورش * کنون
بوشهر روزگار کهن * تو دل همچو نور اندر آن تیره شب * تو را باد
در روزی از آسمان

سوره‌ی بقره ۲۸۵

دوزخ جنک‌افرزان که نام تو باد از جهان، ناپدید * ز مال بولهب و
جنس او نمی‌بینی * گفتند سوز آتش باشد نصیب ظالم * که از برای
فضیحت، فسانه‌شان یاد است

سوره‌ی اخلاص ۲۹۱

آن تکیه‌گاه * اوست باقی و دگر همه در وی فانی * در «احد» چون
اسم او یک جلوه کرد * در سرای وجود، بر نه نیست

سوره‌ی فلق ۲۹۷

وای از دست‌های پنهان * برای ای صبح روشن دل خدا را * از سر ما
شر هر کس دور دار * ما را شیئی است از دل فرعون تیره‌تر * بیرهیز
زان مرد ناسودمند

سوره‌ی ناس ۳۰۳

افسونگران و سوسه‌گر * آفاق را کن به نفس، مشک‌بار صبح * آدمی را
دشمن پنهان، بسی است * در سینه می‌کنند و سوسه، اشرا انس و جن



پرتوی از قرآن



باسم الله الحکیم

و عَلَّمَ آدَمَ الْأَسْمَاءَ كُلَّهَا (پروردگارت) همه‌ی نام‌ها را به آدم آموخت.

پروردگارت نخستین آموزگار است و شاگردش، آدم، نخستین پرده‌بردار! نام‌ها بی‌نوری دیده‌های هستی است. روی هر پدیده‌ای- یا به زبان قرآن: روی هر اسمی- پرده‌ای افتاده است که آدمی حقیقت زیر پرده را با چشم ظاهر نمی‌بیند زیرا با روی آن حقیقت، نوری بتابد تا برای چشم‌ها آشکار و ماهیت آن دانسته شود.

چه بسا چشم‌هایی که پس از بیدن نور، باز هم حقیقت را نبینند و چه بسیار چشم‌هایی که حقیقت را به روشی ببینند لیکن با منافع و مصالح آنان ناسازگار باشد و آن را نادیده انگارند و به انکار حقیقت نشینند.

قرآن به همگان هشدار می‌دهد و آینده‌ی خط‌ناک نادیده‌انگاشتن حقایق را به آنان گوشزد می‌کند، اما کسانی که چشم‌خیز را به روی حقیقت بسته‌اند و از روشنایی به سوی تیرگی می‌روند، این هشدارها را برایشان یکسان است و خدا بر دل‌ها و بر گوش‌هایشان مهر زده و پرده‌ای بر چشمانشان افکنده. دیگر به جایی رسیده‌اند که هر چه از روی اسرار هستی و رازهای جهان پرده برداشته شود، باز هم نه چشم دیدن دارند و نه گوش شنیدن و نه دل دریافتن! در ژرفای تاریکی در کمین نشست‌اند، می‌خواهند انسان‌ها را شکار کنند و به دام بیندازند و آنان را طعمه‌ی دیو و دَد سازند.

اما ناموس خلقت و قانون هستی که از مشیت پروردگار سرچشمه گرفته، مسیری و هدفی و کارکردی دیگر دارد. اراده‌ی خدا بر این قرار گرفته که آفریدگان با دانش و شناخت و آگاهی به سوی او حرکت کنند و در این ره‌پویی، یا به تعبیر قرآن "عبادت"، موانع حرکت را از سر راه بردارند و از روی پدیده‌های هستی، پرده‌ها را کنار بزنند و پیش بروند و به تعالی و تکامل دست یابند.

آیات قرآن نمودارِ نوشتاریِ همان پدیده‌های هستی است که نخستین پرده بردارش، رسول خدا بوده است و سپس یاران و پیروان او و دانشمندان قرآن شناس با گرایش‌ها، مشرب‌ها، روش‌ها و مذهب‌های گوناگون از روی آیات قرآن پرده بردارند. آنها را تفسیر کرده‌اند و همچنان این روند ادامه خواهد داشت. سید مصطفی صاف همه‌ی آنان تفهیم موضوع آیه به خواستاران است، لیکن هریک با روش خاص خود.

در دوران معاصر، یعنی از یک سده و پنجاه سال پیش بدین سوی، مصلحان و عالمان دینی در تعال و تریک به قرآن، تحوّل‌ی ایجاد کرده‌اند و خواستار آن شده‌اند که این پرده بردار و تفسیر قرآن راهنمای عملی باشد برای زندگی این جهانی مؤمنان و رستگاری برای جهان دیگر.

از جمله‌ی این مصلحان آیت‌الله طالقانی است که خود چنین می‌گوید: «این کتاب هدایت که چون نیم‌قرن اول اسلام باید بر همین شئ‌ن نفسانی و اخلاقی و قضاوت و حکومت، حاکم باشد، یکسره از زندگی بکار شده و در هیچ شأنی دخالت ندارد. دنیای اسلام که با رهبری این کتاب، پیشرو و رهبر بود، امروز دنیاالرو شده است.

«کتابی که سند دین و حاکم بر همه‌ی امور بوده، مانند آثار عتیقه و کتاب ورد، تنها جنبه‌ی تقدیس و تبرک یافته و از سرحد زندگی و حیات عمومی برکنار شده و در سرحد عالم اموات و تشریفات آمرزش قرار گرفته



و آهنگ آن اعلام مرگ است.»^۱

آیت‌الله طالقانی بحث اختلاف در قرائت و تفسیرهای گوناگون مسلمانان را از آغاز تا کنون، عاملی برای محدود کردن هدایت گسترده‌ی قرآن می‌داند و یادآوری می‌کند که هر اندازه مباحث قرائت و لغت و اعراب و مطالب کلامی و فلسفی در پیرامون آیات قرآن وسعت می‌یافت، اذهان مسلمانان را از هدایت وسیع و عمومی آن محدودتر می‌ساخت. این علوم و معارف مانند فانوس‌های کم‌نور و لرزان در بیابان تاریک و توفانی است که اگر اندکی پیرامون نزدیک را روشن سازد، اما بر روی پردامنه‌ی اختران فروزان، محبوب می‌دارد. پندارهایی که از نظرهای بی‌خاست، آنگاه از قرآن و عقل برای اثبات آنها دلیل آورده می‌شود، مانند ممتدی گشت و آفاق قرآن را احاطه نموده مانع تابش مستقیم آیات قرآن بر نفوس گردید.

«اگر مسلمانان خوب را از میان این ابرهای پندارها و اندیشه‌ها برتر آرند و با توجه به درک صحیح از مباحث‌های مستدل و معقول محققین، آن محیط بی‌آلایش فکری و فصری را باز کنند، پرتو هدایت آیات بر نفوس آنان خواهد تافت و عقول خفته و خراب‌بخته، در راه درک حقایق وجود و دریافت طرق خیر و شر برانگیخته خواهد شد.»^۲

این‌گونه تفسیر قرآن، در طول تاریخ اسلام مشکلی را از زندگی روزمره‌ی مسلمانان حل نکرده است؛ زیرا مباحث تفسیری بیشتر پیرامون الفاظ و اشکال و نحو و بلاغت و روایات غربالی نشده و مسأله مجرد دور از واقعیت‌هاست و آنچه به‌عنوان تفسیر ارائه شده است به نظر مفسران آنها همه‌ی مقاصد قرآن و همه‌ی منظور خداست. گویی قرآن برای زمان خاصی و مردم معینی نازل شده و این مفسران همه‌ی پیام‌های خدا را دریافته و در اختیار خوانندگان گذاشته‌اند.

۲. پرتوی از قرآن، ج ۱، صص ۷-۱۱

۱. مقدمه، ص ۱۳



آیت‌الله طالقانی کار قرآنی خود را چنین معرفی می‌کند: «آنچه پیرامون آیات و از نظر هدایت قرآن [نگاشته‌ام]، عنوان تفسیر ابه معنای ا پرده‌برداری ندارد و به حساب مقصود نهایی قرآن [نگذاشته‌ام]، از این رو عنوان و نام «پرتوی از قرآن» را برای آن مناسب‌تر یافتیم؛ زیرا آنچه به عنوان «تفسیر قرآن» نوشته شده یا می‌شود، محدود به فکر و معلومات مفسرین است.

«با آنکه قرآن برای هدایت و بهره‌ی همه‌ی مردم در هر زمان تا روز قیامت می‌باشد، پس اعماق حقایق آن نمی‌تواند در ظرف ذهن مردم یک زمان درآید. اگر چنین باشد [حقایق قرآن] تمام می‌شود و پشت سر مسیر تکاملی می‌ماند و بهره‌ای برای آیندگان نمی‌ماند. این پیشرفت زمان و علم است که می‌تواند اندک اندک از روی بواطن و [لایه‌ها] و اسرار قرآن پرده بردارد.»^۱

هدف آیت‌الله طالقانی واداشتن جوانان به تفکر و تدبر در آیات قرآن است تا بدین‌وسیله جوانان را بنحیماً با قرآن در تعامل و دادوستد باشند و با ذهن روشن و نیایش‌های خرد حقایق را دریافت کنند و با خرد خود، آنها را بسنجند و در نهایت با آهنگی از توار و اندیشه‌ای روشن به‌گزینش بایستند. «... سپس در پیرامون آیات آنچه به فکر نگارنده رسیده و بر ذهنش پرتو افکنده، منعکس می‌گردد تا شاید خواننده خود هرچه بیشتر به رموز هدایتی قرآن آشنا شود و ایمان تقلیدی به کمال حق رسد و هرچه بیشتر جویندگان در اعماق ژرف آیات فرو روند و در انوار آن غرق شوند.»^۲

به همین علت گاه زبان و قلم آیت‌الله طالقانی برخورد سنگین می‌آید و نیاز به شرح و توضیح پیدا می‌کند.

درخواست برخی از خوانندگان از این کمترین، ساده‌کردن «سختی پرتوی از قرآن» بوده است؛ زیرا این‌جانب در زندان و بیرون از زندان پیوسته در خدمت آن بزرگوار برای تحریر و تدوین و نشر این اثر کم‌نظیر بوده و همیشه در تلاش بوده‌ام و هستم که آن را به دیگران، به‌ویژه جوانان

۱. پرتوی از قرآن، ج ۱، ص ۲۰

۲. پرتوی از قرآن، ج ۱، صص ۱۸-۲۱

و دانش‌پژوهان جوای حقیقت، برسانم. لیکن پیوسته از ساده کردن مطالب پرهیز داشته و دارم؛ زیرا با ساده‌شدن مطلب، هدف نویسنده که برانگیختن خواننده به اندیشیدن و تدبّر در آیات و به دست آوردن مستقیم و بی‌واسطه‌ی حقایق آن است، تحقق پیدا نمی‌کند. توضیح برخی از نکات تخصصی که دریافت آنها برای همگان امکان‌پذیر نیست و تفصیل بعضی از اشارات و اجمال‌ها درست و بجاست و این کار را در مجرعه آثار که با ویراستاری و مستندسازی و نمایه‌پردازی انجام گرفته، انجام داده و در برخی موارد از متخصصان فنون مربوطه، یاری جسته‌ام.

آخرین که مناب محمدرضا دین‌پرور - که خود از شیفتگان پرتوی از قرآن است - بدین کار، یعنی حذف برخی از مباحث لغوی یا تخصصی غیرلازم برای عموم جوانان و دانش‌پژوهان، همت گماشته و به ساده کردن مطالب اصلی متن پرداخته‌اند، لازم دیدم با این مقدمه‌ی مختصر، ضمن تأیید تلاش ایشان، عرض خوانندگان برسانم که کارشناسان و استادان علوم قرآنی، پرتوی از قرآن - «تفسیر رهایی‌بخش» نامیده‌اند؛ زیرا «پرتوی از قرآن» ذهن و اندیشه‌ی انسان را از گرفتارشدن در تار و پودهای روایات تفسیری راویان، اظهار نظرهای قانبی و محدود مفسران، تطبیق‌های آیات قرآن با برخی از نظریه‌های علمی، و برداشت‌های رنگ‌ورورفته و تقلیدی سنت‌پرستان، رهایی می‌بخشد و خواننده را به‌طور مستقیم و بی‌واسطه با آیات قرآن آشنا می‌کند. باشد که خواندن این متن مختصر، خواننده را تشویق کند که به متن متصل و سایر متون برداشت‌شده از قرآن و سرانجام به خود قرآن سری بزند و چه بسا گم‌شده‌ی خود را در آنجا بیابد... به خواست خدا و درخواست توفیق از خدا.

سیدمحمد مهدی جعفری

محرم الحرام ۱۴۳۸ هجری قمری

مهرماه ۱۳۹۵ هجری خورشیدی